

تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان ادامه دارد آجر کردن نان نان آوران با جهاد کشاورزی!

معوقات خرید تضمینی در سایه بی‌عملی وزارت جهاد، توان مالی تولیدکنندگان را برای فصل آینده کاهش می‌دهد

چرخه تولید غذا از مزرعه آغاز می‌شود و با تقدینگی ادامه می‌یابد؛ بنابراین تأخیر در پرداخت مطالبات گندمکاران، زیر ضرب بردن این چرخه است. در حالی که بخش قابل توجهی از محصول تولیدی گندم در سسال جاری تحویل مراکز خرید شده است، اما پرداخت پول گندمکاران همچنان در هاله‌ای از ابهام قفسار دارد و طبیعا می‌تواند بر تصمیم کشاورزان برای کشت آینده اثر بگذارد و بخشی از ظرفیت تولید را از مدار بهره‌برداری خارج کند.

خرید تضمینی گندم یکی از ابزارهای اصلی دولت برای حفظ امنیت غذایی کشور بوده و باهدف حمایت از تولیدکنندگان، تضمین فروش محصول و ایجاد اطمینان برای ادامه فعالیت کشاورزان طراحی شده است. با این حال، کارآمدی این سازوکار با تکرار هر ساله معوقات پرداختی به کشاورزان، رفته است و وقفه در پرداخت مطالبات، زنجیره تولید را با اختلال مواجه و اهداف پیش‌بینی شده را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

آمارها می‌گویند در سال جدید تاکنون حدود یکمیلیون و ۸۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده، اما بخشی از مطالبات آنان همچنان پرداخت نشده است. ارزش این بدهی حدود ۹هزارمیلیارد تومان برآورد می‌شود. این در حالی است که هزینه‌های تولید در بخش کشاورزی رشد قابل توجهی داشته است و تأمین نهاده‌های مورد نیاز، سرمایه در گردش بیشتری را طلب می‌کند. برای بسیاری از تولیدکنندگان، در یافت به‌موقع مطالبات، شرط آغاز فصل جدید کشت محسوب می‌شود؛ چراکه هزینه تهیه بذر، کود، سموم، سوخت، ماشین‌الات و عملیات کاشت، منابع مالی قابل توجهی نیاز دارد. بنابراین هنگامی که درآمد حاصل از فروش محصول با تأخیر به دست کشاورز می‌رسد، برنامه‌ریزی برای فصل بعدی نیز با مشکل مواجه می‌شود.

■ **بافتندگی، حلقه مفقوده تولید**

فعالان بخش کشاورزی معتقدند استمرار تأخیرها می‌تواند سطح زیر کشت را کاهش دهد چراکه بخشی از کشاورزان به دلیل محدودیت منابع مالی ناچار می‌شوند بخشی از زمین‌های خود را بدون کشت رها کنند یا به سراغ محصولاتی بروند که هزینه تولید کمتری دارند. این وضعیت در نهایت بر میزان تولید داخلی اثر می‌گذارد و دستیابی به اهداف خودکفایی را دشوارتر می‌کند.

در شرایطی که هزینه نهاده‌های کشاورزی روندی افزایشی دارد، وابستگی بیشتر کشاورزان به تسهیلات بانکی نیز اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این استفاده و وام برای تأمین هزینه‌های جاری، فشار مالی مضاعفی را بر تولیدکنندگان وارد می‌کند و بخشی از درآمد آینده آنان را صرف بازپرداخت بدهی‌ها می‌سازد. این روند، حاشیه سود فعالیت کشاورزی را کاهش می‌دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش را تضعیف می‌کند.



از سوی دیگر، اختلاف دیدگاه‌ها درباره منابع مالی خرید تضمینی نیز بر ابهامات افزوده است. در حالی که برای اجرای این سیاست اعتبارات قابل توجهی در بودجه پیش‌بینی نشده، روند تخصیص و پرداخت منابع با سرعت مورد انتظار همراه نبوده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری فاصله زمانی میان تحویل محصول و دریافت وجه آن از سوی کشاورزان بوده است.

■ **تهدیدنی برای امنیت غذایی**

گندم کالایی راهبردی است و کاهش تولید داخلی آن پیامدهای اقتصادی گسترده‌دای به همراه خواهد داشت، به‌طوری که کاهش انگیزه کشت، وابستگی به واردات را افزایش می‌دهد و کشور را در برابر نوسانات بازارهای جهانی آسیب‌پذیرتر می‌کند. برخی گزارش‌ها نیز از افزایش تمایل بخشی از تولیدکنندگان به فروش محصول در بازارهای جایگزین حکایت دارد که می‌تواند ناشی از تلاش برای دستیابی سریع‌تر به منابع مالی باشد. هر چند حجم این معاملات در مقیاس کلان تعیین‌کننده نیست، اما تداوم آن می‌تواند نشانه‌ای از کاهش جذابیت سازوکار فعلی خرید تضمینی تلقی شود. کارشناسان اقتصادی معتقدند موفقیت سیاست حمایتی زمانی محقق می‌شود که کشاورز از زمان فروش محصول تا دریافت پول، با کمترین وقفه مواجه باشد. در غیر این صورت، حمایت دولت عملا به عاملی بازدارنده تبدیل می‌شود و اهداف اولیه سیاستگذار را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

■ **ضرورت اصلاح شیوه تأمین مالی**

در کنار پرداخت به‌موقع مطالبات، برخی صاحب‌نظران بر ضرورت بازنگری در شیوه اجرای خرید تضمینی تأکید دارند. یکی از پیشنهادها، گسترش کشاورزی قراردادی و افزایش نقش صنایع مصرف‌کننده در تأمین مالی تولید است. در این مدل، شرکت‌های بزرگ بخشی از هزینه‌های تولید را بر عهده می‌گیرند و محصول را براساس قراردادهای مشخص خریداری می‌کنند. به باور آنها، این الگو می‌تواند بسه بهبود بهره‌وری، کاهش ریسکک تولید و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر شود. مشارکت مستقیم صنایع در فرایند تولید، علاوه بر کاهش فشار مالی دولت، دسترسی کشاورزان به منابع مالی و فناوری را نیز تسهیل می‌کند.

با وجود این، حتی در صورت اجرای الگوهای جدید، اصل پرداخت منظم مطالبات همچنان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر باقی می‌ماند. تولیدکننده‌ای که از بازگشت سرمایه خود اطمینان نداشته باشد، نمی‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند. از همین رو، حل مشکل معوقات گندمکاران بخشی از سیاست حفظ امنیت غذایی کشور به شمار می‌آید.

گزارش یک زینب زرین

عبور کرده و اکنون به بخشی از ساختار رسمی بودجه کشور تبدیل شده است. این تغییر اگر چه می‌تواند به تثبیت یکی از مهم‌ترین برنامه‌های حمایتی دولت منجر شود، اما هم‌زمان نگرانی‌هایی درباره مسئولیت تأمین منابع، نحوه تخصیص اعتبارات و پاسخگویی دستگاه‌های اقتصادی ایجاد کرده است. به‌طوری که سزا مخالفت دو نهاد اقتصادی دولت، یعنی بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه، ناکوک شده است. اما آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، حفظ تداوم حمایت از خاتوارهای شمول و جلوگیری از شکل‌گیری ابهام در روند اجرای این طرح حمایتی، آن هم در میانه چنگ و دندان نشان دادن‌های رژیم تروریستی امریکا و نیروی نیابتی‌اش، رژیم منحوس صهیونیستی است. ■■■

کالابرگ الکترونیکی یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست حمایتی دولت باهدف اصلی تقویت امنیت غذایی خاتوارها و هدایت بخشی از یارانه‌های حمایتی به سمت تأمین کالاهای اساسی است و در شرایطی که فشار هزینه‌های معیشتی بر دهک‌های درآمدی پایین، بیشتر از قبل، همچنان ادامه دارد، استمرار این سیاست از منظر اقتصادی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. اما این روزها خبر می‌رسد که کالابرگ وارد مرحله جدیدی از حیات اجرایی خود شده است، به‌طوری که مطابق قانون بودجه سال ۱۴۰۵ برای نخستین بار ردیف مستقلی به این طرح اختصاص یافته و رقم ۹۶۰هزار و ۹۶۰هزارمیلیاردریال برای آن پیش‌بینی شده است.درج این رقم در جدول منابع و مصارف هدفمندسازی یارانه‌ها به این معناست که کالابرگ دیگر یک برنامه مقطعی یا وابسته به تصمیم‌های مودی نیست و در قالب یکی از مصارف رسمی دولت تعریف شده است. این تغییر ساختاری از یک‌سوی می‌تواند نشانه‌ای از عزم دولت برای تداوم اجرای طرح باشد و از سوی دیگر سطح انتظار برای شفافیت و پاسخگویی را افزایش می‌دهد. زمانی که یک برنامه در متن قانون بودجه قرار می‌گیرد، نحوه تأمین منابع، زمان‌بندی پرداخت‌ها و کیفیت اجرای آن نیز باید در چارچوب مشخص و قابل ارزیابی دنبال شود.

■ **کالابرگ در مسیر رسمی بودجه**

یکی از مهم‌ترین نکات مطرح شده، پایان فعالیت سازوکار موقتی است که برای هماهنگی اجرای کالابرگ تشکیل شده بود. در مرحله تخصصات اجرای طرح، به دلیل نیاز به هماهنگی میان دستگاه‌های متعدد، مسئولیت‌های اجرایی و دبیرخانه‌ای در قالب یک کارگروه ویژه ساماندهی شد. اکنون با ورود کالابرگ به ساختار بودجه‌ای کشور، بانک مرکزی مدعی شده آن سازوکار موقت پایان یافته است و فرایند اجرا باید در مسیرهای قانونی و دائمی دنبال شود.

از یک منظر، این اتفاق می‌تواند گامی مثبت تلقی شود،

معتللی کالا در گمرک، یکی از گلوگاه‌های قدیمی تجارت خارجی کشورمان به شمار می‌رود و هزینه‌های انبارداری، خواب سرمایه و تأخیر در تأمین مواد اولیه، بخشی از پیامدهای این وضعیت است. ظاهراً گمرک و سازمان ملی استاندارد م‌مصمم شده‌اند با هدف تسریع صدور مجوزها و کاهش زمان پاسخگویی به استعلامات، بخشی از موانع موجود در مسیر تجارت را کاهش دهند. اگر این وعده از شعار فراتر رود، باید نتایج آن در عملکرد روزمره گمرکات و مدت زمان ترخیص کالاها نمایان شود. ■■■

کاهش زمان ترخیص کالا، یکی از مطالبات مستمر فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان به شمار می‌رود. هر چند اقداماتی برای توسعه سامانه‌های الکترونیکی و کاهش مراجعات اداری انجام شده است، اما همچنان بخشی از فرایندهای مرتبط با صدور مجوزها و پاسخگویی به استعلامات، زمان‌گیر قابل توجهی از صاحبان کالا و دستگاه‌های اجرایی می‌گیرد. در این میان، نقش سازمان‌های متولی کنترل و نظارت بر کالاهای وارداتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بخش مهمی از کالاهای پیش از ترخیص باید الزامات استاندارد و فنی را پشت سر بگذرانند. این فرایند برای صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان، حفظ کیفیت کالاها و جلوگیری از ورود اقلام فاقد شرایط لازم ضروری است اما طولانی شدن آن می‌تواند بر سرعت گردش کالا در اقتصاد اثر بگذارد.



بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه در حال شانه‌خالی کردن از زیر بار مسئولیت کالابرگ هستند

کالابرگ روی زمین، مسئولیت‌ها در هوا

با اختصاص حدود ۹۹۶هزارمیلیارد تومان اعتبار به کالابرگ در بودجه ۱۴۰۵، این طرح وارد مرحله جدیدی شده اما اظهارات متفاوت درباره تأمین منابع ضرورت شفاف‌سازی مسئولیت نهادهای اقتصادی را پررنگ‌تر کرده است

چراکه هرچه تصمیم‌گیری‌های مالی بیشتر در چارچوب بودجه و قوانین مصوب انجام شود، امکان نظارت، ارزیابی و پیگیری نیز افزایش می‌یابد. با این حال، انتقال یک مسئولیت از ساختار موقت به ساختار دائمی زمانی موفق خواهد بود که حدود وظایف تمامی نهادهای مرتبط به‌طور شفاف تعیین شود. ابهام اصلی از جایی آغاز می‌شود که در کنار تأکید بر بودجه‌ای شدن کالابرگ، موضوع تأمین منابع نیز مطرح شده است. بر اساس ادعای سازمان برنامه و بودجه، بخشی از منابع طرح از محل درآمدهای ناشی از تغییرات نرخ از پیش‌بینی شده و حسابی برای نگهداری و مدیریت این منابع در نظر گرفته شده است. همین مسئله سبب شده دفعه‌هایی درباره نقش نهادهای مختلف در تأمین منابع شفاف مشخص نگردد. در واقع مردم بیش از آنکه درگیر تقسیم وظایف میان دستگاه‌ها باشند، به نتیجه نهایی توجه دارند و خاتوارهای انتقال مسئولیت‌ها با تغییر سازوکارهای اجرایی نباید به

که از کالابرگ استفاده می‌کنند انتظار دارند اعتبار پیش‌بینی شده در زمان مقر و با ثبات لازم در اختیار آنها قرار گیرد. از این رو، اختلاف برداشت درباره مسئولیت‌ها می‌تواند به نگرانی نسبت به آینده طرح دامن بزند. ■ **مسئولیت مشترک در برابر معیشت مردم**

دیگر نباید کسی نادیده بگیرد مردم با چالش‌های متعددی در حوزه معیشت مواجه هستند و افزایش هزینه کالاهای ضروری، کاهش قدرت خرید و استمرار فشارهای تورمی باعث شده است سیاست‌های حمایتی نقش پررنگ‌تری در مدیریت شرایط اقتصادی خاتوارها پیدا کنند. در چنین شرایطی، کالابرگ بخشی از شبکه حمایت اجتماعی کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل انتظار می‌رود تمامی نهاد‌های اقتصادی مرتبط، مسئولیت شفاف خود را در مقابل اجرای این طرح به‌صورت شفاف و کامل ایفا کنند و طبیعا انتقال مسئولیت‌ها با تغییر سازوکارهای اجرایی نباید به

ترخیص کالا تسهیل می‌شود

گمرک و سازمان ملی استاندارد برای کاهش زمان صدور مجوزها و روان‌سازی تجارت خارجی هماهنگ شدند



بر همین اساس، توافق میان گمرک و سازمان ملی استاندارد در کاهش زمان پاسخگویی به استعلامات و تسریع در صدور مجوزهای مرتبط متمرکز شده است. در این توافق، بهبود ارتباطات سامانه‌ای میان دو دستگاه و بازنگری در فرایندهای موجود نیز مورد توجه قرار گرفته است که در صورت اجرا می‌تواند بخشی از معطلی‌های موجود را کاهش دهد. ■ **هزینه‌ای که در آمارها دیده نمی‌شود**

توقف کالا در گمرک هر روز هزینه‌های مستقیمی را به صاحبان کالا تحمیل می‌کند. هزینه انبارداری، افزایش هزینه حمل‌ونقل، خواب سرمایه و تأخیر در اجرای

عرضه کالاها نیز اثر بگذارد. به همین دلیل، تسهیل فرایندهای اداری در حوزه تجارت خارجی همواره یکی از محورهای مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی محسوب می‌شود.

البته کاهش زمان ترخیص ب‌سه معنای کاهش نظارت نیست، فعالان اقتصادی نیز بر ضرورت اجرای دقیق استانداردها تأکید دارند و مطالبه اصلی آن است که فرایندهای نظارتی با سرعت، شفافیت و هماهنگی بیشتری انجام شود تا فعالان اقتصادی میان الزامات قانونی و پیچیدگی‌های اداری گرفتار نمانند.

■ **نقش سامانه‌ها در کوتاه‌شدن مسیر ترخیص**

یکی از محورهای توافق جدید، بررسی تقویت ارتباطات سامانه‌ای میان دو دستگاه است. تاکنون بخش مهمی از خدمات تجاری به بسترهای الکترونیکی منتقل شده است و بسیاری از استعلامات نیز به‌صورت برخط انجام می‌گیرد. با وجود این، همچنان برخی ناهماهنگی‌ها و اختلاف در رویه‌های اجرایی باعث طولانی شدن فرایندهای می‌شود.

به زعم کارشناسان، اگر تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها سریع‌تر انجام شود، مدت زمان بررسی پرونده‌ها کاهش پیدا می‌کند و دسترسی هم‌زمان به اطلاعات، حذف فرایندهای تکراری و کاهش مکاتبات اداری می‌تواند بخشی از زمان از دست‌رفته در مسیر ترخیص را جبران کند. در همین چارچوب، قرار است نحوه تعیین مدت

زمان پاسخگویی به استعلامات مورد بررسی کارشناسی و راستی‌آزمایی قرار گیرد. بخشی از مشکلات موجود به نبود شاخص‌های مشخص برای سنجش عملکرد

رشد همزمان شاخص‌های تورمی در اردیبهشت



اختصاص ردیف مستقل ۹۶۰هزار و ۹۶۰هزارمیلیارد ریالی به کالابرگ در بودجه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد این طرح از مرحله موقت عبور کرده است، اما تثبیت جایگاه قانونی مستلزم آن است که منابع پیش‌بینی شده به‌طور کامل تحقق یابد و پرداخت‌ها بدون وقفه ادامه پیدا کند

دیگر، تجربه برخی برنامه‌های حمایتی به ما می‌گوید فاصله میان ارقام مصوب و منابع تحقق‌یافته می‌تواند چالش‌های جدی ایجاد کند. به همین دلیل، صرف‌درج یک عدد در قانون بودجه برای اطمینان از اجرای کامل طرح کافی نیست و باید مسیر دسترسی به منابع نیز با دقت مدیریت شود.

■ **ضرورت شفافیت در تأمین منابع**

رقم ۹۶۰هزار و ۹۶۰هزارمیلیارد ریالی پیش‌بینی شده برای کالابرگ، عددی قابل توجه در ساختار بودجه کشور محسوب می‌شود و همین موضوع ضرورت نظارت و شفافیت را دوچندان می‌کند، چراکه هر چه حجم منابع بزرگ‌تر باشد، اهمیت اطلاع‌رسانی دقیق درباره نحوه تأمین هزینه‌کرد آن نیز افزایش می‌یابد.

در شرایط کنونی، مهم‌ترین مطالبه قابل طرح آن است که نهادهای اقتصادی کشورمان، همچون بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه، با هماهنگی بیشتر و منسجم‌تری عمل کنند، چه‌آنکه در شرایط حساس کنونی که کشورمان با یک جنگ تمام‌عیار از سوی بدذات‌ترین موجودات روی زمین مواجه است، انتظار می‌رود درباره منابع کالابرگ - زمین بر اینکه‌از چه محل‌هایی تأمین می‌شود و چه میزان از اعتبارات پیش‌بینی شده تحقق یافته است یا برنامه پرداخت‌های آینده چگونه خواهد بود - ابهام‌آفرینی نشود. درست است با غلط، کالابرگ امروز به یکی از اجزای مهم سیاست‌راهی کشورمان تبدیل شده است و تثبیت این جایگاه نیازمند همکاری همه نهادهای مسئول است. بودجه، منابع، نظام مالی، دستگاه‌های اجرایی هر یک بخشی از این فرایند را در عهده دارند و موفقیت نهایی زمانی حاصل می‌شود که همه این‌اجزا در یک مسیر مشخص و هماهنگ حرکت کنند. در نهایت آنچه نباید فراموش شود، هدف اصلی این سیاست است، چراکه کالابرگ برای حمایت از معیشت خاتوارها طراحی شده است و سازوکارهای اجرایی باید با حفظ همین هدف دنبال شود. دستگاه‌های اقتصادی، فارغ از تقسیم‌بندی‌های اداری، باید مسئولیت مشترک خود را در قبال تأمین تداوم این حمایت‌بپذیرند و اجازه ندهند ابهام‌های نهادی یا اختلاف برداشت‌ها بر روند اجرایی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های معیشتی کشور اثر بگذارند.

بازمی‌گردد، زمانی که مدت پاسخگویی دستگاه‌ها به‌صورت دقیق اندازه‌گیری شود، امکان ارزیابی و اصلاح فرایندهای افزایش پیدا می‌کند. ■ **معیار موفقیت، نتیجه در میدان عمل**

اگرچه توافق میان دستگاه‌های اجرایی گام مثبتی در مسیر تسهیل تجارت محسوب می‌شود اما فعالان اقتصادی معمولاً نتایج عملی را ملاک ارزیابی قرار می‌دهند. از نگاه صاحبان کالا، آنچه اهمیت دارد کاهش واقعی زمان ترخیص و کوتاه‌شدن فرایندهای اداری است. به همین دلیل، اجرای کامل توافقات و تبدیل آنها به رویه‌های عملیاتی اهمیت بیشتری از اصل توافق دارد. هرچه فاصله میان اهداف مصممات اداری و اجرا کمتر باشد، آثار اقتصادی آن نیز سریع‌تر نمایان می‌شود. اقتصاد در شرایط کنونی به افزایش سرعت گردش کالا، کاهش هزینه‌های مبادله و تقویت زنجیره تأمین نیاز دارد. تحقق این اهداف مستلزم همکاری مسئولان دستگاه‌های مسئول و پایبندی به زمان‌بندی‌های مشخص است. در چنین فضای، تسریع در صدور مجوزها و کاهش زمان پاسخگویی به استعلامات می‌تواند بخشی از گام‌های مورد نیاز برای تسریع تجارت خارجی باشد. اکنون انتظار می‌رود توافق جدید از سطح هماهنگی‌های اداری فراتر رود و به کاهش ملموس مدت ماندگاری کالا در گمرکات منجر شود. نتیجه این روند، هم برای فعالان اقتصادی و هم برای بخش تولید کشور اهمیت دارد زیرا سرعت بیشتر در ترخیص کالا، به معنای هزینه کمتر، دسترسی سریع‌تر به نهاده‌ها و روان‌تر شدن جریان تجارت خواهد بود.

کوتاه‌مدت است. تثبیت اقتصاد بدون کنترل انتظارات تورمی دست‌یافتنی نخواهد بود. ضرورت اصلاح ساختارهای مالی و بودجه‌ای در این مرحله بیش از پیش احساس می‌شود. کاهش وابستگی به منابع ناپایدار و تقویت بهره‌وری می‌تواند به مهار تورم کمک کند. در نهایت، یادآوری قیمتی به عنوان هدف اصلی سیاستگذاری اقتصادی باید در مرکز تصمیم‌گیری قرار گیرد. بی‌توجهی به این هدف می‌تواند چرخه افزایش قیمت و کاهش قدرت خرید را تشدید کند. به هر روی، مسیر آینده تورم وابسته به ترکیب سیاست‌های اقتصادی و نحوه اجرای آنها خواهد بود و تأخیر در اصلاحات هزینه‌های بیشتری در آینده ایجاد می‌کند. جمع‌بندی نهایی بر لزوم اقدام‌های و هدفمند برای مهار تورم تأکید دارد، چراکه تداوم وضعیت کنونی چالش‌های اقتصادی را در سطح ملی تشدید می‌کند و نیاز به بازنگری جدی در سیاست‌ها را ضروری می‌سازد. در راستای کاهش نااطمینانی اقتصادی، اقدام عملی و پایدار ضرورت دارد که در سطح سیاستگذاری اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد.